

دانشکدهٔ زبان و ادبیات
گروه زبان و ادب فارسی

پایان‌نامه
برای دریافت درجهٔ کارشناسی ارشد
زبان و ادبیات فارسی

تأثیر آرای امام محمد غزالی بر اندیشهٔ عطار نیشابوری

استاد راهنما:

دکتر محمدحسین دهقانی فیروزآبادی

استاد مشاور:

دکتر مهدی ملک ثابت

پژوهش و نگارش:

فرزانه غلامرضایی

پاییز ۱۳۸۸

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: مبادی تحقیق

- ۱-۱) تعریف موضوع..... ۲
- ۲-۱) سابقه تحقیق..... ۳
- ۳-۱) واژگان کلیدی..... ۴
- ۴-۱) سؤالات پژوهشی..... ۴
- ۵-۱) روش تحقیق..... ۴

فصل دوم: ابو حامد امام محمد غزالی

- ۱-۲) زندگی نامه..... ۶
- ۲-۲) ساحات وجود غزالی..... ۸
- ۲-۲-۱) غزالی متکلم و فیلسوف..... ۹
- ۲-۲-۲) غزالی صوفی و عارف..... ۱۷
- ۳-۲) آراء عرفانی غزالی..... ۲۰
- ۱-۳-۲) انسان شناخت غزالی..... ۲۲
- ۳-۲-۱-۱) شناخت عقلی..... ۲۵
- ۳-۲-۱-۲) شناخت شهودی..... ۲۹
- ۲-۳-۲) خدا شناخت غزالی..... ۳۱

۳۲ وحدت وجود در نظر غزالی (۱-۲-۳-۲)
۳۴ مشکا الانوار و مصفا الاسرار (۱-۱-۲-۳-۲)
۳۸ رساله الطیر (۲-۱-۲-۳-۲)
۳۹ مسألة حجاب و امر مطاع (۳-۳-۲)
۴۲ محبت و رؤیت (۴-۳-۲)
۴۵ سماع (۵-۳-۲)
۴۷ عرفان غزالی (۴-۲)
۴۸ تاثیر غزالی بر تصوّف (۵-۲)

فصل سوم: فریدالدین عطار نیشابوری

۵۱ زندگی نامه (۱-۳)
۵۱ آثار عطار نیشابوری (۲-۳)
۵۲ الهی نامه (۱-۲-۳)
۵۲ اسرار نامه (۲-۲-۳)
۵۳ منطق الطیر (۳-۲-۳)
۵۴ مصیبت نامه (۴-۲-۳)
۵۵ اوضاع اجتماعی عصر عطار (۳-۳)
۵۷ مبانی اندیشه عرفانی عطار (۴-۳)
۵۷ انسان شناخت عطار (۱-۴-۳)
۵۹ نفس (۱-۱-۴-۳)
۶۲ عقل (۲-۱-۴-۳)
۶۶ عقل اشعری: (۱-۲-۱-۴-۳)
۶۹ عقل نوافلاطونی (۲-۲-۱-۴-۳)
۷۲ طور و رای عقل (۳-۲-۱-۴-۳)

- ۷۴ روح (۳-۱-۴-۳)
- ۷۸ دل (۴-۱-۴-۳)
- ۸۰ خدا شناخت عطار..... (۲-۳-۳)
- ۸۵ «نور» و مصادیق آن در منظومه فکری عطار (۳-۴-۳)

فصل چهارم: مقایسه منظومه‌های عرفانی عطار و آثار عرفانی غزالی

- ۹۱ رساله الطیر غزالی و منطق الطیر عطار..... (۱-۴)
- ۹۱ پیشینه رساله الطیرها..... (۱-۱-۴)
- ۹۶ پیشینه منطق الطیر (۲-۱-۴)
- ۹۹ الهی‌نامه و اسرارنامه و نفی مهلکات (۲-۴)
- ۱۰۲ مصیبت‌نامه و حدیث شفاعت (۳-۴)

فصل پنجم: برون‌تاب نظریات عرفانی غزالی در تصوّف عاشقانه عطار

- ۱۰۹ وحدت وجود در نظر عطار..... (۱-۵)
- ۱۱۴ وحدت وجود، وحدت شهود..... (۱-۱-۵)
- ۱۱۵ ازلیت نور محمدی در نظر عطار..... (۲-۵)
- ۱۱۷ ازلیت نور محمدی و نظریه «مطاع» غزالی..... (۱-۲-۵)
- ۱۲۱ عشق..... (۳-۵)
- ۱۲۴ عشق در اسرارنامه..... (۱-۳-۵)
- ۱۲۵ عشق در الهی‌نامه..... (۲-۳-۵)
- ۱۲۶ عشق در مصیبت‌نامه..... (۳-۳-۵)
- ۱۳۱ عشق در منطق الطیر..... (۴-۳-۵)
- ۱۳۴ حکایت شیخ صنعان، آغاز مرحله طلب (۱-۴-۳-۵)

۴-۵) نظریه محبت غزالی در اندیشه عطار..... ۱۳۶

فصل ششم: دیدگاه‌های متفاوت غزالی و عطار

- ۱-۶) عهد آلت و واقعه میثاق ۱۴۶
- ۱-۱-۶) نظر متکلمان عصر غزالی درباره عهد الست ۱۴۶
- ۲-۱-۶) نظر صوفیان عصر غزالی درباره عهد الست ۱۴۷
- ۳-۱-۶) نظر غزالی درباره عهد الست ۱۵۰
- ۴-۱-۶) نظر عطار درباره عهد الست ۱۵۲

فصل هفتم: بُعد دیگری از تأثیرپذیری عطار از غزالی

- ۱-۷) حکایت‌های مشترک در آثار عطار و غزالی ۱۵۷
- ۱-۱-۷) حکایت سلیمان و عزرائیل ۱۵۷
- ۲-۱-۷) حکایت سنگ اندازی شبلی ۱۵۸
- ۳-۱-۷) حکایت عبرت از مرگ ۱۵۹
- ۴-۱-۷) حکایت بایزید و قلّاش ۱۶۰
- ۵-۱-۷) حکایت حبشی و پیامبر ۱۶۱
- ۶-۱-۷) حکایت سلیمان و باد ۱۶۲
- ۷-۱-۷) حکایت عیسی و جهودان ۱۶۳
- ۸-۱-۷) حکایت ابراهیم ادهم و درخواست عصمت از خدا ۱۶۴
- ۹-۱-۷) حایت کنّاس و مرد عطار ۱۶۴
- ۱۰-۱-۷) حکایت دیوانه و شاه ۱۶۵
- ۱۱-۱-۷) حکایت پیر چینی و مرد هشیار ۱۶۶

- ۱۶۶ ۱۲-۱-۷) حکایت مرد پیر در وقت مرگ
- ۱۶۷ ۱۳-۱-۷) حکایت وحی الهی دربارهٔ مردی عابد
- ۱۶۸ ۱۴-۱-۷) حکایت شیخ مهنه و مرد روستایی
- ۱۶۹ ۱۵-۱-۷) حکایت حضرت فاطمه(س)
- ۱۷۰ ۱۶-۱-۷) حکایت تشنگی هارون الرشید
- ۱۷۱ ۱۷-۱-۷) حکایت مجنون و بانگ و خروش او در کوی لیلی
- ۱۷۲ ۱۸-۱-۷) حکایت عیسی و ابلیس
- ۱۷۳ ۱۹-۱-۷) حکایت ابوسعید ابوالخیر در مبرز
- ۱۷۴ ۲۰-۱-۷) حکایت ابراهیم ادهم و مرد سوار
- ۱۷۵ ۲۱-۱-۷) حکایت ابن سیرین
- ۱۷۶ ۲۲-۱-۷) حکایت عُمَر و طفل شیرخواره
- ۱۷۷ ۲۳-۱-۷) حکایت عامر بن قیس و تره خوردن او
- ۱۷۸ ۲۴-۱-۷) حکایت ابن ادهم و رهبان
- ۱۷۸ ۲۵-۱-۷) حکایت سَرِّی سَقَطی و گفتهٔ او دربارهٔ دوستان خدا
- ۱۷۹ ۲۶-۱-۷) حکایت عیسی(ع) و سگ مرده
- ۱۷۹ ۲۷-۱-۷) حکایت پیامبر(ص) و وام خواستن از مرد جهود
- ۱۸۰ ۲۸-۱-۷) حکایت عیسی(ع) و ناپایداری دنیا
- ۱۸۱ ۲-۷) حکایت‌هایی که عطار دربارهٔ غزالی آورده است
- ۱۸۱ ۱-۲-۷) حکایت امام جماعت که در نماز گاو می‌خرید
- ۱۸۲ ۲-۲-۷) حکایت غزالی و هیزم شکن
- ۱۸۳ ۳-۲-۷) حکایت غزالی و کوشهدی

فصل هشتم: نتیجه گیری

۱۹۰ منابع و مأخذ

۱۹۰	الف) کتابها
۱۹۶	ب) مقاله ها
۱۹۸	ج) پایان نامه ها

پیشگفتار:

ادبیات همیشه برای من، دریچه‌ای به سوی حقیقت زندگی گشوده است، اما، روزی که قدم در این دانشکده گذاشتم، هرگز تصوّر نمی‌کردم که این قدر در زندگی و باور و اندیشه‌ام تأثیرگذار باشد. دانستن و کشف گوشه‌های بازیگوش زندگی و آدم‌هایش، همانقدر که گیرا و گواراست، آزاردهنده و دردناک است.

هفت سال در فضای این دانشکده، نفس زدم و چه بسیار لحظه‌ها که احساس غربت کردم، چه روزها که از بودن در این جایگاه پشیمان شدم، و چه لحظه‌ها که آرزو کردم کاش چون هزاران هزار عروسکِ کوکی، با چشم‌های شیشه‌ای دنیا را می‌دیدم، اما شوق دانستن با آن که حاصلش جز آه نبود، بس نمی‌کرد!

انتخاب موضوعی در حوزه عرفان و تصوّف، گرچه بیشتر از سر تصادف و در دقیقه‌نوّد رخ داد، مطالعاتی را که همواره از آن هراس داشتم و از تن دادن به آن می‌گریختم، بر گرده من گذاشت و شد یکی از دلپذیرترین تجربه‌های زندگی‌ام. این هراس و گریز البته از سر بی‌علاقگی نبود، برعکس به دلیل عدم آمادگی در رویارویی با عظمت موضوع و ژرفا و پیچیدگی مضامین و اندیشه‌هایی بود که باید به آنها می‌پرداختم؛ صادقانه اعتراف می‌کنم که هراس از عدم درک مفاهیم عرفانی، در همه دوران تحصیل سبب شده بود تا آن گونه که می‌خواستم از متون عرفانی لذّت نبرم و از تحقیق در آنها شانه خالی کنم.

خوشبختانه، در روزهایی که در به‌در و پریشان موضوعی برای پایان نامه بودم، یکی از دوستان - که هرکجا هست، خدایا به سلامت دارش - مرا از این موضوع آگاه کرد که دکتر زرّین کوب، در کتاب «جستجو در تصوّف ایران»، تأثیر غزالی بر عطار را مطرح کرده‌است. من که تا آن زمان حتی خوابش را نمی‌دیدم که روزی در کاری به حجم یک رساله، به تحقیق درباره متون عرفانی بپردازم، در تنگنای تشویش و اضطراب، در نخستین گام به سراغ «فرار از مدرسه» رفتم. سحر قلم دکتر زرّین کوب در توصیف زندگی و اندیشه‌های ابوحامد امام محمد غزالی، چنان مرا شیفته این شخصیت کرد که تردید را کنار گذاشته و بی آنکه اطلاعات گسترده‌ای درباره عرفان داشته باشم، موضوع

بررسی تأثیر آراء غزالی بر عطار را برای رساله برگزیدم، به این امید که این رساله قفل آن هراس و گریز را بشکند و مرا در متن متون عرفانی قرار دهد.

از سوی دیگر، علاقه به مطالعه درباره شخصیتی چون غزالی، که شهرتش در فلسفه اسلامی کم از تصوّف نداشت و حکایت حیرانی‌هایش برایم بسیار ملموس و آشنا بود، انگیزه این انتخاب را تقویت کرد. مفاهیم فلسفی در ادبیات فارسی، به‌ویژه در متون عرفانی موضوعی بود که جای خالی‌اش را در دوران تحصیل، احساس کرده بودم و پرداختن به این موضوع، می‌توانست این خلاء را تا حدّی برای من پر کند. موضوعی گسترده، دشوار و خواستنی که نیازمند طرحی دقیق و حساب‌شده بود، اما از آنجا که یک سوی قضیه، شخصیتی چندوجهی و ناآشنا چون غزالی بود، ماه‌های زیادی صرف شناخت شخصیت و اندیشه‌های او شد.

امام محمد غزالی از جمله اندیشمندانی است که منش، روش و دانش او همواره مورد بحث و انتقاد پژوهشگران بوده است و به علّت تأثیری که بر جریان فکری پس از خود نهاده است، همواره در مخاطبان آثار خود جاذبه و دافعه ایجاد کرده است. این اختلاف نظر کار را برای برداشتی روشن از شخصیت و افکار غزالی دشوار می‌نمود. نکته جالب برای من این بود که غزالی، در میان پژوهشگران سرزمین‌های دیگر، به ویژه به عنوان فیلسوفی اسلامی، شهرت و عظمتی بیش از ایران داشت. این همه مرا بر آن می‌داشت تا از کنار مطالعه درباره او به سادگی نگذرم، مطالعاتی که بخش‌های بسیاری از آن در این رساله به کار نرفت، اما برای شناخت شخصیتی که می‌خواستم تأثیر او را بر اندیشه یکی از قلّه‌های شعر عرفانی فارسی بررسی کنم، لازم بود.

سرانجام پس از یک سال، طرحی تهیه شد که به دلیل گستردگی‌اش همواره با تردید و ترس از عدم موفقیت در به انجام رساندنش همراه بود، طرحی که بنا بر گفته برخی استادان، کم از طرح یک رساله دکتری نبود. در طرح اولیه، فصل‌های جداگانه‌ای به موضوعات کلامی در نظر غزالی، که به نظر می‌رسید نقش اساسی در نظریه‌پردازی‌های عرفانی او داشته باشد، و به قرینه آن تأثیر و بازتاب این عقاید در آثار عطار اختصاص یافته بود، اما در ادامه، به دلیل گستردگی ذاتی موضوع، از پرداختن به این بخش از طرح، چشم پوشیدم. این‌گونه بود که در این راه پرفراز و نشیب، طرح نخستین در چند مرحله خلاصه‌تر شد و در نهایت به شکل کنونی تغییر یافت.

دشواری‌های کار فراتر از آن بود که تصوّرش را کرده بودم، اما راه بازگشتی هم نبود. گستردگی و مهمتر از آن پیچیدگی مفاهیم، و قانع نشدن من در برخی موضوعات، سرعت و زمان مقتضی برای پژوهش را تحت تأثیر قرار داد. گاهی چنان درگیر موضوع می‌شدم که فراموش می‌کردم که آنچه متعهد به انجام آن هستم، یک رساله در سطح کارشناسی ارشد است و شاید نیازی به این همه وسواس و سخت‌گیری نباشد، اما دغدغه‌هایی که با آن روبرو شده بودم، همه باورهای مرسوم و موروث مرا به چالش کشیده بود و یارای رهایی از چنگال تردیدها و پرسش‌هایی که فرا راهم رخ نموده بود، نبود.

گستردگی منابع و پیچیدگی مطالب، از دشواری‌های دیگری بود که با آن دست به گریبان بودم. منابعی که باید به آنها مراجعه می‌کردم، به چند دسته تقسیم می‌شد؛ یکی آثار غزالی، به ویژه چهار جلد «احیاء علوم الدّین» و دو جلد «کیمیای سعادت» و دو رساله مشکاه الانوار و رساله الطّیر که در زمره آثار عرفانی غزالی قرار می‌گرفت، دیگر مثنوی‌های عرفانی عطار که مطالعه و درک آنها آسان نبود. در کنار این منابع که شالوده این رساله را تشکیل می‌داد، باید کتاب‌ها و مقالات فراوانی را نیز، که درباره غزالی و عطار وجود داشت بررسی می‌کردم. این مسأله درباره غزالی ضرورت بیشتری داشت، زیرا برای من ناشناخته‌تر بود و با زبان و اندیشه او آشنا نبودم، از این رو، ابتدا به مطالعه پژوهش‌هایی که درباره غزالی بود پرداختم و سپس به سراغ آثار او رفتم.

در این مرحله، بسیار پیش می‌آمد که از موضوع منحرف می‌شدم، زیرا بیش از آنکه در مطالعات عرفانی و ادبی به غزالی پرداخته شود، آراء او در تاریخ فلسفه اسلامی و آثار مربوط به این حوزه، منعکس و بررسی شده بود. این مسأله بارها مرا از راه باز ایستاند؛ به شیوه آزمون و خطا پیش می‌رفتم و در بسیاری از موارد، بیش از آنچه باید روی غزالی تأمل کردم، که البته تجربه و اندوخته ارزشمندی برای مطالعات بعدی شد، اما فرصت‌های فراوانی را سوزاند و اگرچه سبب شد با آگاهی و اطمینان بیشتری به بررسی موضوع اصلی رساله پردازم، چشمگیرترین حاصل آن، همانا کسر نمره بود!

نکته دیگر این بود که هرچه بیشتر پیش می‌رفتم، یافته‌های پژوهش با انگاره‌های نخستین که موضوع رساله براساس آن انتخاب شده بود، فاصله بیشتری می‌یافت و سؤالات جدیدی را ایجاد می‌کرد که بی‌شک مجالی برای پرداختن به آنها نبود، به همین دلیل بخشی از یافته‌ها، خود به

صورت فرضیه مطرح شد. عطار شخصیتی بود که به خوبی از سرچشمه‌های فکری پیش از خود بهره گرفته بود و از این جهت در استفاده او از آراء ابوحامد غزالی تردیدی نبود؛ نکته این بود که او این باورها را از صافی ذهن زیبای خود عبور داده بود و چنان مضمون را از آن خود کرده بود که اگر به تاریخ زندگی او نسبت به غزالی توجه نمی‌شد، گمان می‌رفت که غزالی به شرح و تبیین ظرایف اندیشه عطار پرداخته است. این نزدیکی و آمیختگی در بسیاری از موارد گمراه‌کننده بود و مرا در نتایج و برداشت‌هایم دچار تردید می‌کرد.

بخش عمده‌ای از گفتنی‌ها نیز از زبان عطارپژوهان بزرگی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، عبدالحسین زرّین‌کوب، محمدرضا شفیعی کدکنی، تقی پورنامداریان و نصرالله پورجوادی به گویاترین و گیراترین شکل مطرح شده بود و آوردن سخنی نو در این حوزه را جرأتی افسانه‌ای می‌طلبید؛ با این همه سعی من بر آشکارکردن لایه‌های پنهان مشترک در اندیشه عرفانی غزالی و عطار و رسیدن به این نتیجه بود که عطار چگونه از غزالی تأثیر پذیرفته است. جایگاه عطار در ادب عرفانی و شور و صداقت او در اشعارش، بسی بالاتر از غزالی است و از این رو نمی‌خواستم تا آنچه در پی آن بودم، به دلیل طرح مسأله تأثیرپذیری از غزالی، چهره روشن و بیتای عطار را که در پژوهش‌های عرفانی، همواره مظلوم واقع شده‌است، خدشه‌دار کنم.

این فراز و نشیب‌ها و بیم و امیدها، رفیق شفیق من در این راه دو ساله بود که به رغم همه تجربه‌های تلخ و شیرینش، بالاخره به خط پایان رسید و تأثیرات غزالی بر اندیشه عرفانی عطار، با دشواری و گاهی با دلسردی فراوان، که حتی یارای یادآوری‌شان هم نیست، بررسی گشت.

حاصل این تلاش جگرسوز، آن قدر که می‌خواستم دهن‌سوز نشد، شاید چون مدت‌هاست که از آن شوق که در جانم می‌دوید و مرا پا به پا می‌برد، خبری نیست...

همواره شرمسار استادان بزرگواری بوده‌ام که در این سالها، لحظه‌ای از تشویق و حمایت من دست نکشیدند و در همه حال مرا سزاوار مهربانی‌های خویش دانستند. آنچه به دست می‌دهم بیش از تلاش‌های من، وام‌دارِ شکیباییِ استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر دهقانی و بزرگواریِ استاد عزیز مشاور جناب آقای دکتر ملک‌ثابت است، بی‌نهایت سپاسگزار همراهی این عزیزانم.

همچنین از خانواده عزیزم و همسر مهربانم سپاسگزارم که اگر نبود دلگرمی و مهربانی‌شان، بسیار پیش از این روز، این راه را ناتمام رها کرده بودم. نیز بایسته است که از همکاری اهالی باصفای

کتابخانه وزیر، به‌ویژه از وظیفه‌شناسی و بزرگواری جناب آقای قطب‌زاده، مسؤول محترم تالار محققان کتابخانه وزیر یاد کنم که در دست‌یابی به بسیاری از مقالات و کتاب‌ها مرا یاری نموده و زحمات هشت ماهه مرا تاب آوردند و مرا به کار پژوهش امیدوار ساختند.

گرچه سبک‌دل شده ام هم ز خود	بردل خود سخت گران بوده‌ام
بحر جهان بس عجب آمد مرا	غرق تحیر ز جهان بوده‌ام
گرچه ز هر نوع سخنی گفتم	کوردلی گنگ زبان بوده‌ام
زانچه که اصل است چو آگه نیم	پس همه پندار و گمان بوده‌ام

(عطار نیشابوری)

فرزانه غلامرضایی، مهر ۱۳۸۸

فصل اول: مبادی تحقیق

۱-۱) تعریف موضوع (تعریف مسأله، هدف از اجراء و کاربرد نتایج تحقیق):

تصوّف در ایران و اسلام همواره از بحث‌انگیزترین رویدادهای فرهنگی و اجتماعی به شمار رفته و در طول حیات خویش از آغاز تا امروز، دستخوش تحولات فراوان بوده است. بالندگی ادبیات تصوّف و به ویژه شعر صوفیانه - عارفانه، که از قرن پنجم در شعر سنایی (۵۲۹-۴۶۷ هـ ق.) آغاز شده بود، توسط عطار نیشابوری (۵۱۳/۵۱۳/۵۵۳ - ۶۲۷ هـ ق.) و پس از او مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۶۷۲-۶۰۴ هـ ق.) به حدّ اعلای رسید.

امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ هـ ق.) از جمله مهمترین افرادی بود که در اوایل قرن پنجم و اواخر عمر خود، با گرایش به عوالم عرفانی و دوری گزیدن از اهل قال و مدرسه، در پی درک احوال عارفان و مطالعه گفته‌ها و آثار ایشان، با تألیف آثار عرفانی و بحث در آثار پیشینیان این عرصه، تحولات قابل تأملی در تصوّف ایجاد کرد و بر ادبیات عرفانی پس از خود نیز تأثیر گذاشت. او همواره با واکنش‌های متفاوتی از سوی پژوهشگران عرصه عرفان و تصوّف روبرو بوده است. شهرت وی بیشتر تحت تأثیر انتقاداتش درباره فلسفه مشاء، مطرح بوده و دافعه او را در تاریخ تفکر، از سوی فلاسفه و خردگرایان در پی داشته است. با این همه در حوزه تصوّف نیز صاحب نظر و ایده بوده و با تلفیق علوم دینی و آموزه‌های عرفانی، تصوّفی مردم پسند و معتدل ارائه کرده است.

از جمله شاعرانی که از محمد غزالی تأثیر پذیرفته است، فریدالدین عطار نیشابوری است. در این پژوهش، پس از بحث درباره آراء عرفانی ابوحامد امام محمد غزالی و بررسی اندیشه‌های عرفانی عطار نیشابوری، براساس چهار مثنوی اسرارنامه، الهی‌نامه، منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه، و در نظر گرفتن آراء عرفانی غزالی که در چهار اثر مهم و عرفانی او، احیاء علوم‌الدین، کیمیای سعادت، مشکوة‌الانوار و رساله الطیر آمده است، موارد تأثیرپذیری اندیشه عطار از آراء غزالی مورد بررسی و تحقیق قرار خواهد گرفت.

هدف اصلی این پژوهش، آشنایی با حوزه‌های تأثیرپذیری عطار از اندیشه‌های امام محمد غزالی و به دست دادن مضامین و مفاهیم مشترک عرفانی در آثار آن دو و چگونگی بازتاب این تأثیرات در مثنوی‌های عطار است.

نتایج این بررسی‌ها می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران ادبیات، عرفان، تصوف، ادب عرفانی و علاقه‌مندان به اندیشه‌های عرفانی امام محمد غزالی و عطار نیشابوری قرار گیرد.

۲-۱) سابقه تحقیق:

بدیع الزمان فروزانفر در کتاب «شرح احوال و نقد و تحلیل آثار فریدالدین محمد عطار نیشابوری» (۱۳۳۸) با اشاره به رساله الطیر امام محمد غزالی، می‌گوید که شیخ عطار در طرح ریزی منطق الطیر بدان رساله، نظر داشته و از آن استفاده کرده است.

عبدالحسین زرین کوب نیز در «فرار از مدرسه» (۱۳۶۹) معتقد است که عطار، علاوه بر منطق الطیر، بسیاری از افکار خویش را از ابوحامد غزالی الهام گرفته است. فاطمه صنعتی‌نیا در «مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی‌های عطار» (۱۳۶۹) بسیاری از حکایاتی را که عطار در مثنوی‌هایش آورده، برگرفته از احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت و یا نصیحة الملوک غزالی دانسته است. غلامحسین ابراهیمی دینانی در «منطق و معرفت در نظر غزالی» (۱۳۷۰) بیان می‌کند که غزالی برای معرفت حق، قائل به دو طریق قاصر و مسدود است و می‌افزاید که داستان بدیع سیمرغ، که در کتاب پر محتوای منطق الطیر به نگارش درآمده، با نظر غزالی مبنی بر طریق قاصر شناخت که شناخت از طریق تشبیه است، ارتباطی انکارناپذیر دارد. تقی پورنامداریان در کتاب «دیدار با سیمرغ» (۱۳۷۴)، الهی نامه را فراهم آوردن زمینه ارتقای روحانی از طریق معرفتی صفات دنیاگرایی نفسانی، از قبیل شهوت، حقد و حسد، دوستی دنیا، دوستی مال، دوستی جاه و حشمت و کبر و عجب، معرفتی نموده و می‌افزاید که ابوحامد محمد غزالی نیز تحت عنوان مهلکات در کتاب کیمیای سعادت به این صفات اشاره کرده است. رضا اشرف‌زاده نیز در مقاله‌ای تحت‌عنوان «پیر اسرار و عالم صوفی» (۱۳۸۱) به بررسی تأثیر عطار از غزالی پرداخته است.

تاکنون به طور پراکنده به اثرپذیری عطار از ابوحامد محمد غزالی اشاره شده و یا تنها به بررسی اقتباس‌های عطار از حکایات منقول از غزالی پرداخته شده است و بررسی تحلیلی درباب این تأثیرپذیری، در حوزه محتوای اندیشه‌های عرفانی عطار با ارائه شواهد شعری در این باب کمتر صورت گرفته است.

۱-۳) واژگان کلیدی (فارسی و انگلیسی):

عرفان اسلامی، تصوف، ادبیات عرفانی، تأثیر، محمد غزالی، عطار نیشابوری.

Islamic mysticism, Sufism, Mystical literature, Influence, Imam Mohammad Ghazali, Attar Neishabouri.

۱-۴) سؤالات پژوهشی:

- ۱ - همانندی‌های اندیشه عرفانی عطار و آراء عرفانی امام محمد غزالی کدام اند؟
- ۲ - عطار در چه حوزه‌هایی از امام محمد غزالی تأثیر پذیرفته است؟
- ۳ - آراء امام محمد غزالی چگونه در آثار عطار مؤثر واقع شده‌اند؟
- ۴ - عطار به چه میزان از آراء و اندیشه‌های امام محمد غزالی متأثر شده است؟

۱-۵) روش تحقیق

این پایان نامه از نوع بنیادی و روش تحقیق آن کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی است. بدین ترتیب که با محور قراردادن بررسی منظومه‌های عرفانی چهارگانه عطار: منطق الطیر، الهی‌نامه، اسرارنامه و مصیبت‌نامه و آثار عرفانی امام محمد غزالی: کیمیای سعادت، احیاء علوم الدین، مشکاة الانوار و منطق الطیر، همچنین مطالعه و یادداشت برداری از سایر منابع مرتبط و مفید، داده‌ها و یادداشت‌ها ارزیابی و دسته بندی می‌گردد و بر اساس آن‌ها ساختار کلی پایان نامه شکل گرفته و بسط داده شده است.

فصل دوم:
ابوحامد امام محمد غزالی

۲-۱) زندگی نامه

ابوحامد محمد بن محمد بن احمد طوسی غزالی در سال ۴۵۰ هـ.ق. در خانواده‌ای ایرانی در طابران طوس دیده به جهان گشود. پدرش پیشه پشم‌ریسی و بافندگی داشت و به همین سبب او را غزالی می‌گفتند.^۱ او مردی درویش و نیکو سیرت و معتبد بود و اگرچه از خط و سواد بهره‌ای نداشت، در مجالس وعظ و جلسات علما و فقها حاضر می‌شد.

پس از مرگ وی در سال ۴۶۵ هـ.ق. یکی از دوستان صوفی‌اش به نام ابوحامد احمد بن محمد راذکانی، به وصیت او تربیت پسرانش محمد و احمد را به‌عهده گرفت و با تعهد و دلسوزی به پرورش این دو برادر همت گماشت. پس از آن که دو برادر خواندن و نوشتن و مسائل دینی و مقدمات علوم ادبی و مذهبی را به خوبی آموختند، آن‌ها را به مدارس طلب سپرد تا تحصیلات خود را با استفاده از مقرری آن مدارس، بهتر در پیش گیرند.

غزالی باهوش و کنجکاو سپس به جرجان نزد امام ابونصر اسماعیلی رفت و تعلیقاتی در خدمت او به نگارش درآورد. آن گاه به طوس بازگشت و به مدت سه سال به مطالعه و تحصیل پرداخت.^۲ سپس عزم نظامیه نیشابور کرد و نزد مشهورترین علمای آن شهر، از جمله امام الحرمین جوینی (متوفی ۴۷۸ هـ.ق.) فنون جدل و خلاف و کلام و مقدمات فلسفه را فرا گرفت. در بیست و هشت سالگی در علوم و فنون زمان سرآمد گردید و در خدمت استاد خویش، به تألیف و تصنیف مشغول گشت.

پس از درگذشت استادش، در نزدیکی نیشابور در «عسکر» - لشکرگاه - به خدمت خواجه نظام الملک طوسی (م. ۴۸۵ هـ.ق.) وزیر مشهور سلجوقیان، درآمد و بسیار عزیز و گرامی داشته شد تا آنجا که پس از هفت سال تحقیق و بحث و مناظره با علما و فقها، در سال ۴۸۴ هـ.ق. به تدریس در نظامیه بغداد که بالاترین مقام علمی آن زمان محسوب می‌شد، گمارده شد. در بغداد به خطابه و وعظ و تدریس و مناظره و مطالعه کتب فلسفه مشغول شد و پس از چهار سال فعالیت علمی در

۱- غزالی: پشم‌ریس. بعضی نام غزالی را منسوب به غزاله (زای مخفف)، قریه‌ای از توابع طوس می‌دانند. ر.ک. علی‌اکبر دهخدا: لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۴۷۲۶. نیز، مونتگمری وات: امام محمد غزالی، متفکر بزرگ مسلمان، ترجمه محمود اصفهانی زاده، تبریز: کتابفروشی مهر، ۱۳۴۷، صص ۲۶۴-۲۶۸.

۲- جلال الدین همایی: غزالی نامه، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۲، ص ۱۱۸.

بغداد که او را به اوج عزت و شهرت و مقام و منصب روحانی رسانیده بود، در سنّ سی و نه سالگی مدرسه را رها کرد و مرحله جدیدی در زندگی او آغاز شد.

کشمکش وجدانی و شک و تردید همراه با کنجکاوی و تشنگی روحی، او را به ترک بغداد در ذیقعده ۴۸۸ هـ.ق. واداشت^۱ تا در سفری دراز، پاسخی برای روح پریشان خویش بیابد. اگر چه ابوحامد قصد اقامت در شام را داشت، که در آن زمان مرکز مهم اجتماع زهاد و صوفیان بود، به سبب ترس از خلیفه و سلطان وقت و آغاز جنگ‌های صلیبی، سفر حج را بهانه ساخت و در این مدت، برادرش احمد غزالی را به جانشینی خود جهت تدریس در نظامیه برگزید. او در سفر ده ساله خود در سرزمین‌های شام، بیت المقدس و حجاز در جامه درویشان ژنده پوش به عبادت، تفکر، عزلت و نگارش یافته هایش مشغول بود تا در نهایت در سال ۴۹۸ هـ.ق. به طوس بازگشت.^۲

پس از بازگشت به طوس، به درخواست سلطان سنجر (متوفی ۵۵۲ هـ.ق.) و وزیرش فخرالملک بن نظام الملک طوسی (م. ۵۰۰ هـ.ق.) در ۴۹۹ هـ.ق. به نیشابور رفت و به تدریس در نظامیه آن شهر پرداخت. پس از یکسال، دوباره به طوس بازگشت،^۳ خانقاهی برای خود و مدرسه‌ای برای طلب برپا نمود و به عبادت و خدمت مشغول شد تا آن که در چهاردهم جمادی الآخر سال ۵۰۵ هـ.ق. چشم از جهان فروبست و به لقای محبوب رسید و در زادگاه خود، طابران طوس، به خاک سپرده شد. مقبره وی تا قرن هفتم معلوم و زیارتگاه مردمان بوده است.^۴

غزالی بنا بر تربیت خانوادگی و مذهب بیشتر علمای نیشابور و طوس و سایر مناطق خراسان در آن زمان، در اصول عقاید، پیرو اشعری و در فروع، پیرو شافعی^۵ بود و آثار فقه و اصول را بر اساس این مذهب می‌نگاشت؛ با این حال مجتهدی حقیقی بود که بر همه ظواهر شرع تعصب نداشت و هرآنچه در نظرش مخالف عقل بود رد و یا تأویل می‌کرد. به عبارت دیگر «ابوحامد غزالی متکلمی اشعری است که در بسیاری از آثار خود به سیاق اشاعره سخن می‌گوید ولی در برخی موارد، این

۱- همایی، جلال الدین، غزالی نامه، صص ۱۱۹-۱۲۱.

۲- همان، صص ۱۵۲-۱۵۳.

۳- همان، صص ۱۸۴-۱۸۵.

۴- همان، صص ۲۱۴-۲۱۵.

۵- او را «حنفی» نیز دانسته اند. ک: منیره فرضی شوب، سید مهدی زرقانی: «مفهوم تنزیه از دیدگاه سنایی و غزالی»، مندرج در فصلنامه کاوش‌نامه، شماره شانزده، سال نهم (بهار و تابستان) ۱۳۸۷، صص ۱۶۴.

اسلوب فکری را ترک کرده و مطلب خود را بی‌پیرایه و بدون وابستگی به یک نحله خاص فکری ابراز می‌نماید.^۱

۲-۲) ساحات وجود غزالی

در بین ادوار مختلف زندگی غزالی، دو دوره در شکل‌گیری افکار و شخصیت وی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

۱- دوره حضور غزالی در بغداد و تدریس در مدرسه نظامیه که موقعیت و جایگاه شکوهمندی برای او به ارمغان آورد. وسعت دانش و روشنی بیان غزالی در این دوره، همه دانشمندان و مقامات عصر را تحت تأثیر قرار داد و عالم اسلام، او را بزرگترین متکلم اشعری شمرد و از نظرات و آراء او در امور دینی، سیاسی و علمی استفاده کرد.^۲

۲- دوران عزلت و گوشه نشینی غزالی و ترک نظامیه و سفرها و حیرانی‌های او در جستجوی حقیقت و برگزیدن طریقه تصوف پس از سال‌ها مطالعه و تأمل در اندیشه‌های فریق گوناگون. این دو دوره حیاتی، در زندگی کوتاه ولی پر بار غزالی، نشان دهنده منشور شخصیت وی است که در هر دوره، نابغه‌ای را عیان ساخته است. آنچه این شخصیت را در هر بُعد خویش متمایز و تأثیرگذار می‌سازد، جرأت دانستن و جرأت شک کردن است.^۳ جرأتی که او را «از پستی تقلید به بلندی بینش رسانید»^۴ و به سان قاعده این منشور، بستر شکل‌گیری و نمود ابعاد مختلف شخصیت و تفکر او قرار گرفت. به دیگر سخن حاصل این دو دوره، دو چهره از ابوحامد محمد غزالی است که هر چهره در تاریخ تفکر و تصوف اسلامی تأثیر بسزایی داشته است؛ یکی غزالی متکلم و دانشمند بزرگ دینی و دیگر غزالی صوفی مشرب.

۱- غلامحسین ابراهیمی دینانی: منطق و معرفت در نظر غزالی، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۳، ص ۱۴۲.

۲- سعید شیخ: «غزالی: مابعد الطبیعه»، ترجمه محسن جهانگیری، مندرج در تاریخ فلسفه در اسلام، به کوشش میان محمد شریف، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۸.

۳- همان، ص ۹.

۴- امام محمد غزالی: رهایی از گمراهی (المنقذ من الضلال)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۱، ص ۷۴.